



فدراسیون پریمیای فدائی خلق ایران

جنبش خلق

و

اپورتوئیستهای ما

جنبش خلق و اپورتونیستهای

م

به اطراف خود نگاه کنید سر خود را از پنجره^۶
کابین کار خود بیرون بیاورید تا بتوانید به ایسن
مسائل پاسخ دهید ، مگر حکومت اکنون با تیرباران
دسته جمعی افراد مسالمت جو و بی اسلحه در همه
جا جنگ داخلی را شروع کرده است ؟ مگر باند های
مسلح سیاه بمثابه^۶ " برهان " حکومت مطلقه مشفول
عملیات نیستند ؟

آشکار بودن عملیات انقلابی اکنون یکی از
مهمترین شرایط نفوذ تربیتی در توده های مردم
است هر کسی که دارای چشم بیناست ممکن نیست
در این باره شک داشته باشد که طرفداران انقلاب
مسئله^۶ قیام مسلحانه را چگونه باید مطرح کنند ؟
و . ای . لنین

بار دیگر در ماههای اخیر ما شاهد قلیان
جنبش توده ای در مقیاسی وسیع بودیم ، که هنسوز
کما بیش در اشکال گوناگون ادامه دارد . برای

تمام کسانی که خود را طرفدار انقلاب میدانند این بسیار امید بخش بود ، این پیش در آمد آن تکران تاریخی است که همه ما با امید به آن مبارزه کرده ایم جنبش خلق مسائل سیاست را بشکل وسیعی بمیان مردم برد و آنرا بصورت مسئله روزانه آنها در آورد و در کنار آن موضعگیری های مختلفی را باعث شد . تمام طبقات و اقشار خلق با توجه به کیفیت تضاد هایشان با سیستم آنها تأیید کردند و به نسبت آگاهی سیاسی بدان یاری رساندند ، همراه با آن گروهها سازمانها با تکیه بر دیدگاههای طبقاتی خسود سعی در تحلیل و تعیین موضع خود نسبت بدان برآمدند .

مارکسیست - لنینیستها که خود را نمایند ه پیگیرترین و موکراتیک ترین جناح جنبش خلق میدانند در برخورد با حرکت تاریخی توده ها خواستار مبارزه با تمام گرایشات واپسگرایانه ای هستند که ماهیت تاریخی آنها را قلب میکند و میخواهد آنها را در مسیر منافع اقشار معینی محدود نماید . اپورتونیسم بمثابه يك جریان طبقاتی در چهره چپ و راست خود در درون جنبش نمایند ه چنین گرایشی است .

سازمان ما، بعنوان بخشی از پیشاهنگ مسلح خلق، در حالیکه وظیفه خود میدانند با گرایشات ناسالم در درون جنبش مبارزه کند موضع خود را نسبت به جنبش توده ای روشن مینماید. آنچه برای ما اهمیت دارد این است که: در قبال تلاش قهرمانانه خلق چه باید کرد؟ و چگونه میتوان از دچار شدن آن به رکود و رخوت جلوگیری نمود؟ جنبش خلق را چه چیز از درون تهدید میکند، چه کسانی امروز از درون با آن به دشمنی برخاسته اند و واقعبیت آنها مسخ میکنند؟ در وهله اول د و گرایش در کنار هم وجود دارند که در تحلیل حرکت توده ها در جهت منافع آن گروههایی که از آن منشاء گرفته اند سمت گیری مینمایند. چپ انقلابی نما در حالیکه از خیزش توده ها به وجد آمده بدون توجه بسسه سازماندهی و دادن جهت یابی صحیح به آن سعی در تحمیل خواستهای آنارشیستی خود بجنبش مینماید و میخواهد از حرکت آنها توجیهی بر نقطه نظرهای چپ روانه خود بترشد. آنها در حالیکه لزوم پیوند یافتن با جنبش توده ای را انکار میکنند و اصلاً تلاشی در این زمینه نمی نمایند. در زیر شعارهای

چپ آشفته فکری انقلابی خود را پنهان مینمایند و بدین گونه انرژی انقلابی توده ها و نیروهای پیشاهنگ را بهدر می دهند .

اپورتونیزم چپ گامهای استوار سنجیده ای که نوید بخش آینده است را فدای نتایج ملموس و عملی مینماید آنها همیشه از ارائه ادامه کاری عاجز هستند خصوصیت ویژه این جریان مدام از این شاخ به آن شاخ پریدن است . برداشت آنها از سرشت تبلیغی عملیات مسلحانه سخت محدود و اراده گرایانه است برخوردار یکجانبه به نقش پیشاهنگ و در نتیجه نقش مطلق برای عمل مسلحانه قائل شدن و در نتیجه سه چهارم این توهم شدن که هر عمل مسلحانه میتواند بهد فهای جنبش مسلحانه خدمت کند . چینیان برداشتی نتیجتاً باعث خواهد شد که آنها بسوی شیوه های اقتصادی و سیاسی مبارزه بهائی ندهند و در تربیت اصولی کارهای خود دچار غفلت گردند و برخوردار با جنبش بین المللی آنها هر عمل مسلحانه ای را که از طرف هر گروهی صورت گیرد بدون اینکه تحلیل مشخصی از شرایط آن جامعه و ماهیت جریان داشته باشند تأیید میکنند . منشاء

طبقاتی این جریان را در راون جنبش باید در گرایشات خرده بورژوازی را دیکال در شرایط فقدان یک پیشاهنگ نیرومند پرولتاریائی جستجو نمود . وجود اندیشه های چپ در جنبش از طرفی باعث میگردد که قادر نباشیم با واقعیت های تاریخی و شرایط عینی خود برخوردی مارکسیستی داشته باشیم و در تحلیل حرکات توده ها دچار توهم گردیده و نتوانیم موضعی اصولی در قبال آن اتخاذ کنیم و این به اپورتونیسم راست بمثابة یک دشمن عمده و بقول رفیق لنین عمده در مقیاس بین المللی فرصت خواهد داد تا از برخورد های چپ در توجیه مواضع خود سود جوید از آنجائی که در یک دوره جنبش در معرض ابتلا به چپ روی قرار داشته در حالیکه ما از نظر تئوریک به بسیاری از جنبه های آن در گذشته آگاهی یافته ایم اما این به مفهوم نابودی آن نیست ، هنوز در شیوه برخورد های ما بقایای آن بچشم میخورد ، وجود بقایای آن ما را دچار خورده کاری خواهد نمود و از وظایف اساسی که در شرایط حاضر در قبال جنبش توده های بعهدہ داریم باز خواهد داشت . چنین است که

مبارزه با اپورتونیزم راست در این مرحله بطور اجتناب ناپذیری از کانال مبارزه با این انحراف چپ در درون جنبش میگذرد (۱) .

اما در مورد گرایش دوم - برخاسته از آن کهنه سیاست بازان افشاء شده ای که در سالها زمستانی و سرد جنبش در پستوهای گرم خود پنهان شده بودند و از آنجا مدام امریه و دستور العمل - صادر میکردند و تقاضاهای خنده آور و مکرراتیک! خود را برای رژیم فاشیستی تکرار میکردند . آنها که از تجربه های گذشته خود هیچ نیاموخته اند (و نمیخواهند بیاموزند) هر روز بیشتر از توده ها و مبارزات آنها فاصله گرفته و بدین ترتیب راه هرگونه برخورد خلاق و صادقانه با مسائل جنبش را از دست داده اند و دچار آن برداشتها و نقطه نظرهای سفیهانه ای شده اند که لنین از آنها بصورت مغزها جامد (آدمهای توی توطی) یاد میکند . آنها در حالیکه امروز سعی دارند خود را به جنبشش تحمیل نمایند و حتی ادعای بیشترین سهم را در آن - دارند خود را ادامه دهندگان منحصر بفرد جنبش

(۱) - نبرد با دیکتاتوری . . . " رفیق جزنسی "

کمونستی میدانند . ادعای آنها آن داستان روستائی را بیاد میآورد که میگویند : مردی در حال شکستن هیزم بود روستائی دیگر در حالیکه در زیر سایه^۴ درختی نزدیک او نشسته بود ، هرگاه آن مرد هیزم شکن تبر را بر هیزم فرود میآورد آن مرد سایه نشین با خود هن میگفت و سرانجام هنگامیکه هیزم شکن روانه^۵ بازار شد و نتیجه^۶ کار خود را فروخت آن مرد جلوی او را گرفت و سهم خود را مطالبه کرد هیزم شکن با تعجب گفت که تو چه کرده ای که که چنین ادعائی داری ؟ آن مرد گفت که وقتی تو تبر را پائین میآوردی هنش را من میگفتم بدین سبب شریک کار تو هستم . (با این تفاوت که آن مرد هنگوی بی آزاری بود و در کار هیزم شکن اخلال ایجاد نمیکرد .)

ببینید یکی از نویسندگان این جریان در این مورد چگونه برخورد میکند : " یکی از شایستگیها و سزاواریهای برجسته^۷ حزب توده^۸ ایران که شهرت پر دامنه ای دارد جان سختی و قابلیت حیات فوق العاده آن است در کشوری که در آن سنت مبارزات حزبی بکلی ناچیز و اکثرا احزاب سیاسی

مانند حباب صابونند حزب ما طی ۳۵ سال نبرد سهمگین ، شدیدترین هجوم‌های مداوم دشمن را دفع کرده و هر بار از زیر آوار حوادث کمر شکن مردانه بپا خواسته است تا راه دشوار و پرافتخار خود را با پیشانی باز طی کند و به این سزاواری حزب ما دوست و دشمن اعتراف دارد ! ”

عرصه^۶ این نبرد سهمگین در کدامیک از سیارات بوده است ! ۳۵ سال نبرد سهمگین ! آقایان شنیدن این ادعا برای مرد میکه سالها در زیر حاکمیت یکی از فاشیستی‌ترین دیکتاتورهای تاریخ دست و پا زده‌اند و ناظر حیات منفعلانه^۶ تشکیلات شما بوده‌اند چیزی جز نفرت ببار نخواهد آورد . این حرف کسانی است که فقط با کلمات خود را ارضاء^۶ میکنند نویسنده^۶ این مطالب تا آنجا پیش می‌رود که در برخورد با یکی از بزرگترین نقطه عطف‌های جنبش (و در عین حال نقطه ای که اپورتونیسیم شرم‌انگیز در توجیه خیانت تاریخی تشکیلات خود می‌گوید : اگسر ما در ۲۸ مرداد تعلق کردیم بدین دلیل بود که میخواستیم با مصدق مشترکاً عمل کنیم ولی او حاضر به این همکاری نشد و می‌گوید ما اشتباه کردیم

(خیلی خونسرد) که مستقلانه وارد عمل نشد یسم و سپس در حالیکه ما را دعوت بیک تحلیل خونسردانه و علمی! از آن میکنند میگوید تنها نتیجه ای که از آن میتوانید بگیرید درست بودن و اصولی بودن مشی ما بود علیرغم اینکه در این مورد اشتباه کردیم و در جای دیگر یکی از نمایندگان این تشکیلات جان سخت و نمایند ه^۶ بلامنازع طبقه^۶ کارگر! با عنوان مقاله^۶ خود بنام^۶ "در برابر طبقه^۶ کارگر اهمال کرد هایم" با انتزاع سازهایی خود رابطه^۶ جنبش نوین انقلابی طبقه^۶ کارگر را مورد پرسش قرار میدهد و انتقاد از جنبش را تبدیل به پوششی برای تمامی گنجاهان خود میکند و اینکه سالهایی که گذشت خزان جنبش بود و حال شرایط عینی در حال رشد است و باغ های بشارت و امید در حال روئیدن است (البته با پیدا شدن آنها) . اینجا عمدا فراموش میکنند که اهمال کاران واقعی چه کسی بوده است جنبش نوین که علیرغم کم تجربگی و نارسائیهای در صحنه^۶ خونین ترین پیکارهای اجتماعی در پی راهیابی و بازگرفتن گره کور جنبش بوده است یا درود سته^۶ کمیته^۶ مرکزی که عنوان پرطمطراق حزب طبقه^۶ کارگر بود در ۳۵ سال

تکرار کرده اند .

این کمال فریبکاری است که خواسته باشیم با مورد حمله قرار دادن دیگران بتعامی کجرویهای خود سرپوش بگذاریم این جز شارلاتانیسم سیاسی مفهومی ندارد . خیانت اپورتونیسم سنتی را در جنبش انقلابی ایران هیچگاه فراموش نخواهیم کرد و از تکرار هزاران باره آنچه کرده و میکنید خسته نخواهیم شد گذشته و حال جریان اپورتونیستی همچون تساری در همه تنیده است بدون افشاء همه جانبه آن نمیتوان ماهیت اساسی آنرا نزد توده ها برملا نمود اگر در گذشته آنها از موضع خرد بورژوازی سعی در زنجیر شدن به طبقه کارگر را داشتند امروز با تحول شرایط اقتصادی اجتماعی و رشد گروه بورژوازی لیبرال درون طبقه حاکم با طرح شعار دفاع از دموکراسی بورژوازی و جمهوری دموکراتیک بورژوازی بمشابهه مدافعین بورژوازی لیبرال ظاهر گشته اند و نقش رسوخ دهندند اندیشه های رفرمیسم بورژوائی را به درون جنبش انقلابی بعمده گرفته اند (چون خرد بورژوازی در شرایط حاضر ا یکال تر از آنست که آنها بتوانند بدان نزدیک شوند) .

در این موقعیت مبارزه^۶ ایدئولوژیک نیروهای
 انقلابی برای طرد نمایندگان رفرمیستی از درون -
 جنبش به یک ضرورت عام تبدیل شده است آنها
 در شرایطی که جنبش خلق در حال گسترش است
 و رژیم را دچار مشکلات و بحران های بسیاری نموده
 در حالیکه در لباس دوستان مردم در آمده اند
 از پشت بدان خنجر میزنند و از اینکه مردم در مبارزه^۶
 خود نزاکت و انضباط بورژوازی را نفی کرده اند
 و خشم و نفرت خود را نسبت به رژیم به صورت حمله
 قهرمانانه به تمامی مظاهر آن نشان میدهند و باعث
 گشتند که رژیم به تمامی ماهیت ضد خلقی خود را
 با سرکوب خونین مردم غیر مسلح نشان دهد روی ترش
 نموده و از مردم میخواهند در اعتراض خود از چار
 چوب منافع لیبرالیسم بورژوازی خارج نشوند چرا که
 این شکل از اعتراض لیبرالهای ما را خانه نشین
 خواهد نمود و فرصت اینکه جنبش را بوسیله ای برای
 چانه زدن با رژیم تبدیل کنند از آنها میگیرد .
 در شماره^۶ فوق العاده^۶ سه شنبه ۹ اسفند نوید
 تحت عنوان (درود شورانگیز به مردم قهرمان تبریز)
 نمونه^۶ کاملی از این دیدگاه را مشاهده میکنیم

"..... رژیم بنا به شیوه^۶ همیشگی خود بادست
 زدن بیک سلسله خرابکاری بدست چاقو کشان و
 اوپاشان ساواک در تقلاست این بربریت آدمکشانه
 خود را توجیه کند و کسانی را که با استفاده از حقوق
حقه^۶ قانونی خود در نهایت نظم دست به تظاهرات
 زده بودند مورد آزار و اهانت و تعقیب قرار دهند"
 مردم ما در طی سالها حاکمیت رژیم فاشیستی
 شاه بارها و بارها شاهد بگلوله بستن تظاهرات
 آرام خود بوده اند و به اندازه کافی مفهوم تظاهرات
 منظم و مسالمت آمیز را درک کرده اند در اینجا دیگر
 تظاهرات مسالمت آمیز فقط آن تظاهرات فرمایشی
 است که پاندازان رژیم براه می اندازند نه خلقی که
 سالها از ابتدائی ترین حقوق انسانی خود محروم
 بوده است اینجا رژیم مدتهاست که دیگر قوانین
 پذیرفته شده^۶ خود را در عمل نقض نموده و اینرا
 مردم میدانند. رفیق لنین میگفت: " نمایندگان
 بورژوازی لیبرال میخواهند با تزاریسم از راه ملامت
 یعنی بشیوه^۶ اصلاح طلبی از راه گذشت، یعنی
 بدون اینکه اشراف نجبای درباری را برنجانند با
 احتیاط یعنی بدون هیچ عمل قاطع با ملاحظت

و ادب آقامنشانه د سنتکش سفید بردست (شبیه آن د سنتکشی که پطرونکوپیچ د موقع شرفیاب ————— نمایندگان مردم بحضور نیکلای سفاک از یکی از گردن کلفت ها عاریه کرده بود) تسویه حساب نمایند" (۱)

روحیه^۶ قهرمانی و حماسی مردم د ر جریان حرکات اخیر اعماق روح هرکس که خود را طرفدار انقلاب میدانند را تکان میدهد و این احساس را بوجود میآورد که د ر مقابل اینهمه شوریدگی و روحیه^۶ از خود گذشتگی چه پاسخی باید داد اینها که هرگونه صداقت و شور انقلابی را د ر جریان زندگی بورژوا منشانه^۶ خود از دست داده اند هیچگاه نخواهند توانست آنرا د ر ک کنند و تنها میتوانند د ر برخورد با چنین روحیه ای د چار سراسیمگی شده و مردم را دعوت به رعایت نظم و نزاکت نمایند رفقای ما و بقول مردم تبریز " داس و چکشی ها " که د ر جریان قیام قهرمانی تبریز شرکت کرده بودند نمونه هائی از این شور انقلابی خلق را نقل کرده اند که بیان چند نمونه از آن نشان میدهد که مردمی که د ارای چنین روحیه و نفرتی نسبت به رژیم هستند

آیا میتواند تظاهرات و خواسته هایشان در مقابل رژیم شکل مسالمت آمیز داشته باشد ؟
 در جمعی از کارگران و کاسبکاران از پیرو جوان که خود شعارهای ضد ولتی میدادند پیر مردی پر جوش و خروش که پرچمدار ما بود میگفت : چقدر میخواهند خون ما را بکنند ، بسوزانید کاخ ایمن ظالمان را

جوانی که در محله "امیر خیز گلوله ای بگردنش اصابت کرده بود در مقابل کسانی که میخواستند به او کمک کنند گفت بروید بد یگران کمک کنید خوشحالم که در محله "ستارخان میمیرم ! و کارگری که هدف گلوله "دژخیمان قرار گرفته بود فریاد میزد "من سیزین شهید یزم " (من شهید شما هستم)

و دو مادر قهرمان که فرزندانشان شهید شده بودند در قبال این حرف که بیکی از آنها گفته بودند برو جسد پسر را بگیر جواب داد کسی که قربانی میداد نبال قربانیش نمیرود و دیگر میگفت بعد از این کفشهای کوهنوردی پسر را خواهم پوشید و بجای او به کوه میروم و نمیکذارم جای پسر خالی بماند !

لیبرال‌های ما امروز وضع بسیار خنسده آوری یافته اند آنها در حالیکه به امید احیاء د مکراسی و احیاء فعالیت‌علنی خود نشسته اند خواستار آن شرایط صلح آمیزی هستند که در آن بتوانند به جمهوری د مکراتیک بورژوازی خود برسند و در چنین موقعیتی که مبارزات پرشور خلق به تمامی ماهیت جنایتکارانه رژیم را به تماشا گذاشته است (چیزی که آنها با دعوت مردم به انضباط و آرامش سعی در پنهان کردنش دارند) آنها تلاش میکنند بسا به انفعال کشاندن مبارزات خلق آنها در خدمت منافع بورژوازی لیبرال قرار دهند ولی توده‌ها تند میروند و به رغم آنها زیادی هم شتاب گرفته اند بحدیکه تمام زوزه‌ها و ناله و زاریهای بورژوازی لیبرال قادر نیست آنها را متوقف کند و آنها هیچگاه بتوده‌ها نخواهند رسید و چنین است که از زرادخانه تئوریک خود برای فرمان ایستادن بتوده‌ها جمالات متناسب را بیرون میکشند که "درگیر شدن در یک نبرد رویاروی و قهرآمیز با دشمنی که تاندندان مسلح است و تمامی مواضع قدرت را در دست دارد و هر نوع جنایت و درندگی از او متصور است

بمثابه يك ارتش تمرین ندیده و بی ابزار و بی فرمانده
 بجنگی نابرابر است نتیجه چنین جنگی پیشاپیش
 معلوم است و مسئولیت و عواقب آن با عناصر و گروهها
 و اقشاری است که از نظر تاریخی رسالت و از نظر
 سیاسی و ایدئولوژیک استعداد و ظرفیت فرماندهی
 و سازماندهی این ارتش را دارند اما از وظیفه
 خطیر و حیاتی خود به انحاء مختلف دستاویزهای
 جور و اجور سرباز زده اند " و سپس بیان این مسئله
 که پیکار مردم در قم و تبریز و دیگر شهرها يك پیکار
 نابرد بار بود!

ما باز هم می پرسیم که چرا توده ها به نبرد
 نابرابر با رژیم برخاسته اند؟ نبرد برابر کدامست؟
 و چه کسانی از وظیفه خطیر خود سرباز زده اند؟
 و چرا توده ها نابرد دارند؟ آنقدر مسئله در رابطه
 با این جان سخنان وجود دارد که میتوان به طرح
 این سئوالها تا بینهایت در مقابل آنها ادامه داد و
 جوابشان هم از قبل مشخص است: تا شرایط عینی
 وجود ندارد نباید به نبرد برخاست باید کار مخفی
 صرفا سیاسی و سازماندهی کرد تا بتوان در يك نبرد
 برابر تمامی نیروها را بمیدان کشید. اما دستاورد

سازمانیگری انقلابی ! و کار مخفی شما در نزد يك به دود ده کدام است چه نیروی را متشکل نموده و سازمان دادید ؟ (می بینید سوالها باز هم ادامه می یابند و سرانجام استفاده از این جملات لنین که : " مادام که مبارزه طبقه کارگر برای تصرف قدرت در دستور روز نیست بدون تردید باید از اشکال مکرسی بورژوازی استفاده کرد " ، " و . . . انقلابیون بی تجربه غالبا می پندارند که کارست شیوه های علنی مبارزه جنبه اپورتونیستی دارد " (۱) شرایط عینی و شعار سازمانیگری انقلابی سر از مبارزه بخاطر مکرسی بورژوائی و جمهوری مکراتیک بورژوائی بدر میاورد . (بالنین چیه میکنند !)

اینکه توده ها در این شرایط بمبارزه برخاسته اند از چند عامل سرچشمه میگیرد که عبارتند از :

- ۱ - تشدید بحران اقتصادی و سیاسی علیرغم افزایش درآمد نفت و فشار روز افزون بتوده ها
- ۲ - وجود سازمانهای مسلح پیشرو که با ادامه مبارزه خود در سطح جامعه بشکستن ترس و خفت

توده‌ها کمک کرده‌اند و چهره رژیم در درگیری با آنها هرچه بیشتر از نظر داخلی و خارجی افشای شده است.

تفاوت‌های حرکت مردم با گذشته عبارت است از:
 ۱ - گستردگی و وسعت آن که بر خلاف گذشته مثلا خرد اد ۲ و ۴ که جنبش فقط در دوسه شهر بزرگ وجود داشت اینبار دامنه خود را تا شهرک‌ها و روستاها گسترده است.

۲ - بهم پیوستگی - اکنون مبارزه چندین ماه است بصورت موج بهم پیوسته ای ادامه یافته و تنه‌ها در یک مقطع زمانی کوتاه جرقه وار بوجود نیامده است و علیرغم سرکوب خونین رژیم ادامه یافته و با توجه به بحران‌های درون سیستم، رشد و بسوخت هرچه بیشتر تضادها و رشد آگاهی سیاسی توده‌ها که در آن مبارزه مسلحانه نقش داشته است، ادامه خواهد یافت.

۳ - روحیه تهاجمی - گرچه مبارزات اخیر از تشکیلات و سازماندهی لازم برخوردار نیست و ضعف عنصر پیشاهنگ در آن محسوس است ولی چنانکه مشاهده کردیم توده‌ها نه با تقاضاهای مسالمت‌آمیز و صلح

جویانه بلکه با آگاهی کامل از سرکوب رژیم به تظاهرات خشونت آمیز متوسل میشوند مشخصا شعار سرنگونی رژیم را میدهند این از تجربه گذشته توده هسا سرچشمه میگیرد .

و اما در مورد آنچه که بعنوان نبرد نابرابر توصیف میشود حتی کسانی که هم با حسن نیت نه در جهت تخطئه چنین حرفی را تکرار کنند سفیه ترین دگماتیستها هستند که پیروزی جنبش رها ئیخش را هنوز صرفا بشکل قیام لحظه ای ممکن میدانند و تجربه تاریخی معاصر را درک نمیکنند . مبارزه با امپریالیسم پروسه ای است طولانی و مسلحانه که با مبارزات کوچک به اشکال مختلف آغاز شده گسترش یافته و اشکال عالیتری می یابد و در جریان این نبردهای کوچک و بزرگ است که توده هسا از مبارزات خود و پیشاهنگ می آموزند . مسلما چنین نبردهائی پراکنده و نابرابر نطفه نبرد های بزرگتر و تشکل عالیتر را در درون خود پرورش خواهد داد و خلق در پروسه این نبرد هاست که خود را باز میابد و بالاخره خلق ما کمال نبرد باری خواهد بود را نشان داد ! آری آنها نبرد باری اپورتونیستها

و بورژوا لیبرالها را ندارند چراکه در تحمل شرایط موجود هیچگونه منافعی برای خود احساس نمیکنند در پشت این کلمات چیزی جز منافع طبقاتی لیبرالیزم که مبارزهٔ خلق را به انضباط و نزاکت میخواند وجود ندارد.

رفیق لنین میگفت: "توده ها باید بدانند که بسوی يك مبارزهٔ مسلحانهٔ خونین و تاپای جان میروند حس تحقیر نسبت به مرگ باید در بین توده ها شیوع یابد و پیروزی را تضمین کند تعرض بر دشمن باید فوق العاده جدی باشد شعار توده ها باید تعرض باشد نه دفاع نابودی بیرحمانهٔ دشمن وظیفهٔ آنها خواهد گردید." و مبارزات توده های ما به تعمیق هرچه بیشتر این مفهوم در میان آنها کمک کرد آنها با دادن قربانی و نترسیدن از سرگ تمامی دستگاه هیولائی رژیم را تحقیر کردند. اما يك مسئله را هم بخوبی احساس کردند امری که تبدیل به شعار جمع کوچکی از قیام کنندگان در مشهد شده بود: "تشکیلات، تجهیزات" آنها ضرورت آن تشکیلات رزمنده ای را زمزمه میکردند که قادر باشد تلاش قهرمانی خلق را از صورت پراکنده و غیر

متشکل بجریان واحدی تبدیل کند و تجهیزات لازم جهت رویارویی با دشمن سرتاپا مسلح را در اختیار آنها قرار دهد. (آنچه اینجا مورد نظر است يك تشکیلات رزمنده انقلابی است نه تشکیلات و سازماندهی اپورتونیستی که توده‌ها را دعوت به بردباری و متانت در برابر سرکوب قهرآمیز میکند) توده‌ها در شرایط اعتلای جنبش بیشتر از سالهای رکود چیز می‌آموزند .

ما وظیفه خود میدانیم که در جهت پیوند با جنبش توده‌ای سازماندهی و ارتقاء آگاهی سیاسی توده‌ها تلاش نمائیم با توجه به شرایط حاکم بر جامعه که کاربرد قهر انقلابی را از جانب پیشاهنگ جهت اجرای وظایف فوق ضروری میسازد تمام گروه‌ها و سازمانهایی که در این شرایط کار صرفا سیاسی را بمثابة تنها شکل مبارزه پیشاهنگ عملا طرح مینمایند چه در شکل دارو دسته کمیته مرکزی و یا با شعارهای نفی به اصطلاح مبارزه مسلحانه جدا از توده همگی عملا دارای يك ماهیتند هرچند که بعلت ماهیت افشاء شده کمیته مرکزی نزد توده‌ها آنها کوشش کنند که با حمله به آن ماهیت اپورتونیستی خود

را پنهان نمایند .

هفت سال از آغاز مبارزه^۶ مسلحانه علی‌رغم تمام کمبودها و ضعفهای آن علی‌رغم حملاتی که از جانب اپورتونیستها بد آن شده و میشود پراتیک^۷ انقلاب توده‌ها هر روز بیشتر صحت تزه‌های اساسی آنرا ثابت میکند و چنین است که : چون مبارزه^۶ خلق ما علیه امپریالیزم مبارزه‌ای است مسلحانه طولانی چون در مقابل مبارزات توده‌ها قهر ضد انقلابی رژیم در فاشیستی‌ترین شکل آن قرار دارد و این را توده‌ها بعینه می‌بینند و تجربیات ماهم‌سای گذشته آنرا عمیقتر به آنها نشان داد و توده‌ها را به ضرورت اعمال قهر انقلابی آگاه تر نمود در این شرایط هر نوع سازماندهی مبارزات توده‌ها اعم از مبارزات اقتصادی و سیاسی باید با توجه به نقش محوری مبارزه^۶ مسلحانه صورت گیرد و در جهت آن کانالیزه گردد .

" پس در جهت پیوند با مبارزات

خلق در جهت سازماندهی جنبش

خلق در جهت تشکل آن بر محور مبارزه^۶

مسلحانه بسط پیش "

هموطنان مبارز!

برای حمایت مادی و معنوی خود
بآدرس زیر با سازمان مائتاس بگیرید:

لحموس هتس

P.O. Box 5101 - Moalla, Aden

People s Democratic Republic of Yemen

لحموس هتس

National Bank of Yemen

P.D.R.Y., Aden, Steamer point

Account No. 58305

www.iran-archive.com

از انتشارات: سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

خرداد ۱۳۵۷